

یک شغل فرسایشی



عبدالجواد موسوی

شاعر و روزنامه‌نگار

یک‌بار یک راننده تاکسی محترمی که مدعی بود روان‌شناس بزرگی است از من پرسید: شغلت چیه؟ گفتم: روزنامه‌نگار. گفت بذار از قیافت حدس بزنم چطور روزنامه‌نگاری هستی؟ گفتم: بفرمایید. گفت: خیلی فرسایشی قلم می‌زنی. گفتم: میشه بیشتر توضیح بدید؟ گفت: یعنی هر‌بار که می‌نویسی روح و روانت فرسایش پیدا می‌کنه. نمی‌دانم روان‌شناس بود یا نه؟ نمی‌دانم واقعاً خودش هم فهمید چه گفت یا نه؟ ولی دقیق‌ترین توصیف را از حال و روز یک روزنامه‌نگار بیان کرد. فرسایش روح و روان اتفاقی است که مدام و مدام و مدام برای یک روزنامه‌نگار در این سرزمین رخ می‌دهد تا وقتی که برود زیر خاک و الفاتحه. تازه بعد از آن هم مطمئن نیستیم روح و روان یک روزنامه‌نگار از فرسایش در امان باشد. علتش هم کاملاً پیداست. تقریباً هیچ فاجعه‌ای در این مملکت یافت نمی‌شود که روزنامه‌نگاران پیش‌تر از وقوع آن تذکر نداده باشند. این ماجرا وقتی بارها و بارها تکرار می‌شود، روزنامه‌نگار اندک‌اندک به این نتیجه می‌رسد که چقدر کارش بی‌پهوده است. مثال‌ها بی‌شمارند اما برای مشتئی نمونه خروار به یک اتفاق گل‌درشت همین روزها اشاره می‌کنم. به همین داستان اخراج مهاجران افغانی دقت کنید. پیش از آن که کار به اینجا برسد خیلی‌ها تذکر دادند. نه‌فقط یک تذکر ساده بلکه خودشان را به زمین و زمان کوبیدند. از زنده‌یاد سیدجواد طباطبایی که صراحتاً گفت اگر فکری به حال این مهاجرت لجام‌گسیخته نکندید به زودی با فاجعه‌ای ملی مواجه خواهیم شد و داستان حمله محمود افغان یک‌بار دیگر تکرار خواهد شد تا محمدحسین جعفریان که هر شب در اینستاگرام لایو گذاشت و با خواهش و التماس گفت، به این طالبان علیه ما علیه این قدر باج ندهید که فردا نمی‌توانید از پس توطئه‌های ریز و درشت آنان برآیید. خیلی‌های دیگر هم به هجوم بی‌حساب و کتاب مهاجران واکنش نشان دادند. روزنامه‌نگار دیگری حتی این مقدار هشدار را کافی ندانست و کلی سند و مدرک ضمیمه ادعاهایش کرد و فرستاد برای همه آن‌هایی که باید می‌فرستاد. هیچ‌کس گوشش بدهکار نبود که نبود. شاید اگر این جنگ ۱۲ روزه تحمیلی اسرائیل علیه ایران راه نمی‌افتاد، بازهم گوش کسی بدهکار نبود. نمی‌دانم از سر اتفاق بود یا بدشاشی که تعدادی از این مهاجران، مزدور اسرائیلی‌ها از آب درآمدند. حالا همان جماعتی که حاضر نمی‌شدند یک‌بار هم سخن منتقدان و روزنامه‌نگاران را بشنوند، چنان به تکاپو افتاده‌اند که نگو و نپرس و البته بازهم به جبران غفلت پیشین از آن سوی بام افتاده‌اند تا جایی که همان کسانی که می‌گفتند جلوی این مهاجرت لجام‌گسیخته و بی‌حساب و کتاب را بگیرید، صدایشان درآمده است که: این نخوه از اخراج مهاجران با هیچ‌یک از قوانین اخلاقی، قانونی و شرعی سازگار نیست. اگر همان روزی که دلسوزان و منتقدان می‌گفتند کسی بود که این حرف‌ها را بشنود و جدی بگیرد، اصلاً کار به این‌جا نمی‌کشید. حالا هم گوش‌ی برای شنیدن نیست. حالا هم این نخوه از بر‌خورد آبرور جز آن‌که بر کینه‌ها و عنادوت‌ها بیفزاید حاصل دیگری نخواهد داشت. کدام آدم عاقلی در کشور همسایه‌اش این‌همه بذر نفرت و کینه می‌کارد؟ اگر فردا روزی خدای ناکرده جنگ دیگری در کشورمان رخ دهد، همه آن‌هایی که ناعادلانه و نامحترمانه از این کشور بیرون رانده شده‌اند، می‌توانند یک همکار نفوذی بالقوه برای دشمنان ما محسوب شوند. فهم این نکته ساده و بدیهی این‌قدر دشوار است؟ همه حرف این بود که نباید بی‌حساب و کتاب مهاجرپذیر بود. حالا هم حرف این است که نباید بی‌حساب و کتاب به اخراج فله‌ای مهاجران پرداخت. وقتی نمی‌توانید بدیهیات را حالی دیگران کنید به‌قول آن راننده محترم هر‌بار که می‌نویسید روح و روان‌تان فرسایش پیدا می‌کند. از خودتان بدتان می‌آید. فکر می‌کنید، دارید بیهوده‌ترین کار دنیا را انجام می‌دهید. فکر می‌کنید همه حرف‌هایتان مصداق تام و تمام مشت‌بر سندان کوفتن است. آیا راهی برای خلاصی از این وضعیت دشوار و تراژیک وجود دارد؟ من که راهی نمی‌شناسم جز خاموشی.

سخنی نیست که خاموشی از آن بهتر نیست

نیست علمی که فراموشی از آن بهتر نیست

ای کاش می‌شد. فکر کنید دارند جلوی چشم‌تنت را، و وطن‌ت را تکه‌تکه می‌کنند و از تو کاری بر نمی‌آید. به قول آن دوست قدیمی: به دست‌های بسته خود نگاه می‌کنم و نفرین می‌فرستم به روزی که زاده شدم. اگر فکر می‌کنید این میزان از ناامیدی نه‌تنها برای روزنامه‌نگاری که برای ادامه حیات نیز سمی مهلک است، دعا کنید بلکه گوش‌ی برای شنیدن بتوان یافت.

۲۴ ساعت

24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com

@Hammihanonline

• صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی
• مشاوران: عباس‌عبدی و احمد زیدآبادی
• سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیراداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور)• حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لینتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰



تاوان جنگ

بررسی توقف پروازها و صادر نشدن ویزای ملی پوشان تکواندو ایران



سپهر خرمی

گزارشگر ورزشی هم‌میهن

جنگ تحمیلی ۱۲ روزه تقریباً دو هفته است که به پایان رسیده اما بعید است تبعات آن به‌راحتی از بین برود. در حوزه ورزش هنوز با چالش این جنگ ۱۲ روزه در حال دست‌وپنجه نرم کردن هستیم. تکواندوی ایران در رده بزرگسالان می‌توانست برای دومین بار پیاپی قهرمان جهان شود اما توقف پروازها یا بهتر است بگوییم، ممنوعیت پرواز باعث شد تا تیم ملی ایران که باید ۱۱ تیرماه وارد خاک کره جنوبی می‌شد، این مسابقات حساس را از دست بدهد تا یکی از مهم‌ترین میادین ممکن به لحاظ امتیازی برای ورزشکاران، در کمال بی‌انصافی و البته بدشاشی از بین برود. بی‌انصافی نه به‌خاطر ممنوعیت پروازها، بلکه به‌خاطر رفتار کشورهایی که براساس دخالت دادن سیاست در ورزش باعث شدند تا تکواندوکارهای ایرانی از این مسابقات مهم غایب باشند. در این گزارش علاوه بر گفت‌وگو با محمد بیرامی، مدیر روابط عمومی فدراسیون تکواندو، چالش‌های پیش‌روی این رشته را با غیبت در دو تورنمنت مهم مورد نقد و بررسی قرار دادیم.

توفان روی شهباز چانگ

رشته تکواندو در سال گذشته، عملکردی کم‌سابقه از خودش ثبت کرد که حتی باعث شد تحلیل کارشناسان تکواندو هم اشتباه از آب دربیاید. طبعاً هیچ کارشناسی تصور نمی‌کرد تکواندوی ایران در مسابقات المپیک پاریس بتواند در هر چهار اوزان، مدال آور باشد و بهترین عملکرد تاریخ ورزش ایران را بر جای بگذارد اما این اتفاق رخ داد. قبل از مسابقات المپیک هم در هر دو رده زنان و مردان در مسابقات جهانی، تیم ملی تکواندو قهرمان شد. با دو قهرمانی پیاپی در دو تورنمنت بزرگ، فدراسیون آن را راهی مسابقات المپیک ۲۰۲۴ پاریس کرد. بحق باید المپیک ۲۰۲۴ پاریس را به‌نام تکواندو ایران نوشت؛ رشته‌ای که همه رکوردها را به‌نام خود جابه‌جا کرد و تحسین کارشناسان داخلی و مسئولان رده‌بالای فدراسیون جهانی را برانگیخت. از زمان حضور رسمی تکواندو در بازی‌های ۲۰۰۰ سیدنی تا ۲۰۲۰ توکیو، پاریس اولین میدانی بود که تیم ایران با ترکیبی کامل وارد «شهباز چانگ» المپیک می‌شد. دو دختر و دو پسر که دو نفر از سهمیه قاره‌ای، یک نفر از رنکینگ سیستم و یک نفر از گرنداسلم، بلیت خود را برای سفر به پاریس رزرو کرده بودند. اتفاق کم‌سابقه این است که برای اولین‌بار هر چهار نماینده ایران موفق به کسب مدال شدند؛ یعنی موفقیتی صددرصدی که نه‌تنها در ورزش ایران که در تکواندوی دنیا سابقه نداشته است. از هشت فینالی که در کاخ «گرندپله» برگزار شد، سه فینال را نمایندگان ایران برگزار کردند. اولین بانوی فینالیست المپیک در تاریخ ورزش کشور نیز ناهید کیانی بود که به همراه مبینا نعمت‌زاده، دو مدال نقره و برنز گرفتند. آرین سلیمی و مهران برخورداری هم که با صعود به فینال، دو طلا و نقره کسب کردند تا تکواندو به‌قولی، سر به آسمان ساید. گفتنی است، تیم ایران در پارالمپیک پاریس نیز حضوری موفق داشت و با تک‌نقره زهرا رحیمی و دو برنز حامد حق‌شناس و علیرضا بخت، به کار خود پایان داد؛ تیمی که شایستگی‌های زیادی داشت و اسیر اتفاقات پیش‌بینی نشده شد.

جنگ ترمز موفقیت را کشید

المپیک پاریس تنها دستاورد تکواندو در سال ۱۴۰۳ نبود، پیش از این رویداد بزرگ، تیم‌های کشورمان در رقابت‌های جام جهانی تکواندو (دوشنبه) به مدت سه‌روز در شهر چون‌چون جنوبی آغاز می‌شود، اما تیم ملی کشورمان که یکی از مدعیان اصلی مسابقات بود، به‌دلیل بسته بودن پروازها امکان حضور در این رویداد را پیدا نکرد. مسئولان فدراسیون تکواندو تلاش‌های گسترده‌ای برای اعزام تیم انجام دادند و حتی گزینه اعزام زمینی را بررسی کردند اما به‌دلیل طولانی‌بودن مسیر، درنهایت

تصمیم به عدم اعزام تیم‌های کشورمان گرفتند. اعضای تیم ملی شامل؛ ملیکا میرحسینی، تینا مدانلو، کوثر اساسه و نسترن ولی‌زاده در بخش بانوان و محمدحسین یزدانی، علی احمدی، میرهاشم حسینی و امیررضا صادقیان در بخش آقایان بودند. هدایت تیم‌های کشورمان در این مسابقات برعهده علی تاجیک و نیلوفر صفرزاده بود. رقابت‌های جام جهانی تکواندو به صورت تیمی در سه بخش آقایان، بانوان و میکس با حضور ۱۰ تیم و به مدت سه روز برگزار می‌شود. جام جهانی کره جنوبی در هر دو گروه مردان و زنان، عنوان قهرمانی را کسب کردند. پس از آن در مسابقات قهرمانی آسیا، تیم ایران در بخش مردان موفق به کسب عنوان نخست شد. محمد بیرامی، مدیر روابط عمومی فدراسیون تکواندو در گفت‌وگو با هم‌میهن می‌گوید، بعد از لغو پروازها تلاش بسیاری کردیم تا شرایط رسیدن ورزشکاران به کره جنوبی را بررسی کنیم اما متأسفانه نشد، چراکه باید ما به‌صورت زمینی به مشهد می‌رفتیم و بعد با پرواز از مشهد به استانبول می‌رسیدیم. از استانبول باید به ازبکستان و بعد با پرواز دیگری به کره جنوبی می‌رسیدیم. این همه ساعت بودن ورزشکاران در پرواز، خطر مصدومیت داشت، ضمن اینکه در طول ۱۲ روز تمرینات بچه‌ها نیز تعطیل بود.

کشورهایی که سیاست را دخیل کردند

یکی دیگر از چالش‌هایی که فدراسیون تکواندو با آن دست‌وپنجه نرم کرد، همراهی نکردن سایر کشورها در صدور ویزا برای ورزشکاران ایرانی بود. تیم ملی ایران بعد از اینکه مسابقات جهانی را از دست داد، تلاش کرد تا ملی‌پوش‌ها در تاریخ ۲۷ تیرماه به مسابقات دانشجویان جهان اعزام شوند اما سفارت آلمان در کمال شگفتی، ویزای برخی ورزشکاران و مربیان ایرانی را صادر نکرد تا این مسابقات حساس هم از دست برود. بیرامی، مدیر روابط عمومی فدراسیون تکواندو در این باره گفت: متأسفانه به‌دلیل صادر نشدن ویزای بچه‌ها، مسابقات دانشجویان جهان در آلمان را نیز از دست دادیم و باتوجه به بستنبودن سفارت نتوانستیم انطور که باید، پیگیر این ماجرا باشیم. اما دلیل اینکه به ورزشکاران ما ویزا ندادند، مشخص نیست و البته اولین بار بود که چنین اتفاقی برای تیم ما رخ می‌داد. بیرامی در خصوص اینکه می‌توانستند از کشورهای دیگر تلاش کنند تا ویزای شنگن صادر شو، افزود: «اتفاقاً چنین کاری را نیز انجام دادیم. ما از طریق سفارت مجارستان اقدام کردیم تا با صدور ویزای شنگن بتوانیم خودمان را به کشور آلمان برسانیم تا مسابقات قهرمانی دانشجویان جهان را از دست ندهیم، اما سفارت مجارستان هم همکاری لازم را با ما نداشت و ویزای بچه‌ها صادر نشد. از دست دادن دو مسابقه بسیار مهم، برای ما گران تمام شد.»

قرعه سخت در المپیک

شاید در نگاه اول از دست دادن دو تورنمنت جهانی و دانشجویان جهان، اینطور برداشت شود که صرفاً تیم ملی در دو بخش زنان و مردان نمی‌تواند از قهرمانی خودش دفاع کند اما موضوع بسیار سخت‌تر از چیزی است که رخ داده. بیرامی در این باره می‌گوید، مسابقات قهرمانی جهان ۸۰ و مسابقات قهرمانی دانشجویان جهان هم ۴۰ امتیاز رنکینگ داشت که ما هر دو بخش را از دست دادیم. ضرر این از دست دادن باعث می‌شود رتبه‌بندی ورزشکاران احتمالاً در مسابقات بعدی افت کند و با قرعه‌های سخت‌تری در همان ابتدای راه همراه شود. اینکه شما با ورزشکار قهرمان دنیا در نیمه‌نهایی روبرو شوید یا در همان دور نخست، تفاوت بسیاری دارد. ورزشکار اگر در دوره‌های اولیه رقابتی خودش را یکی پس از دیگری از پیش‌رو بردارد، روحیه می‌گیرد و می‌تواند حتی رقیب قوی‌تر از خودش را شکست دهد، اما اگر با رقیب قدرتمندتر از خودش در همان گام نخست مصاف دهد، ممکن است شکست بخورد. بیرامی همچنین در پایان معتقد است، باید در مسابقاتی به‌زودی شرکت کنیم که امتیازات از دست‌رفته را برگردانیم چون حیف است این رنکینگ که دو سال برایش زحمت کشیده شده را به‌راحتی از دست بدهیم. باید دید تیم ملی تکواندو که دو مسابقه مهم ۱۴۰۴ را از دست داد، می‌تواند بازگشت شوکه‌مندان‌ه‌ای داشته باشد یا خیر.

رسانه

استوار؛ چه در روایت چه در واقعیت

نقدی بر مصاحبه پزشکیان از منظر مدیوم تصویر



علی ورامینی

دبیر گروه فرهنگ

فیلم مصاحبه رئیس‌جمهور که با تاکر کارلسون منتشر شد، از ته دل آرزو کردم ای کاش که مشاوران و کارگزاران مسعود پزشکیان در امور حیاتی برای ایران امروز، مثل حوزه‌های دفاع و دیپلماسی همچون مشاوران رسانه‌ای و ارتباطی‌اش نباشند. نمی‌دانم چه کسی مسئول چیدمان بصری/سینمایی این مصاحبه بود، ولی پرواضح است که آخرین انگاره‌ای که از تصویر و چیدمان در ذهن آن فرد یا گروه مانده، تصویر مراسم عقدی در تالارهای دورافتاده دهه ۷۰ است. بوالعجب که از تیم پر تعداد مشاوران و مسئولان ارتباطی رئیس‌جمهور یکی آن وسط نگفت که کمی وقت بیشتر برای مهم‌ترین مصاحبه در یک‌سال اخیر رئیس دولت بگذاریم، مصاحبه‌ای که احتمالاً بیش از هر گفت‌وگویی دیگر از او در جهان بازنش خواهد شد.

ایداً نمی‌خواهم در این وضعیت هول و اضطراب کنجی نشست‌ه باشم و ایراد بنی اسرائیلی بگیرم. قصد ندارم تلاش پزشکیان و تیم‌اش که هم‌زمان باید در دو جبهه بجنگند را نادیده بگیرم. به‌خصوص که این روزها هم کم از جنگ‌طلبان داخلی مورد حمله‌های غیر منصفانه قرار نمی‌گیرد، حتی همین چند روز در پیستو عیان به آنها که احترام و فروتنی مسعود پزشکیان را در اجلاس اکو مورد نقد قرار دادند، تاختم. معتقدم در جهانی که قدرتمندترین فردش دونالد ترامپی است که اگر مدار چرخ روزگار بر انصاف بود بیش از صاحب استودیوهای بزرگ تولید فیلم هرزه انگارانه نباید پیشرفت می‌کرد که دیگر نباید به ادب رئیس‌جمهوری، هر چند هم پروتکلی شکسته باشد، خرده گرفت. اما ماجرای این ویدئو چیز دیگریست. دکور، دکوپاژ و نورپردازی مصاحبه پزشکیان با یکی از جنجالی‌ترین مجریان محبوب دونالد ترامپ دقیقاً چنان آرایش شده بود که گویی دشمنان پزشکیان مسئول این صحنه‌آرایی‌اند.

حتماً که آدم‌های زیادی برای این مصاحبه زحمت کشیدند که بیشترین بهره را برای منافع ملی داشته باشد، ولی کاش به این هم عنایت داشتند که مدیوم تصویر، هنر ترکیب فرم و محتواست؛ و هیچ محتوایی بدون فرم جان نمی‌گیرد. دکوپاژ و نورپردازی، دو ستون بنیادین فرم هستند که حتی پیش از کلمات در بیان روایت نقش دارند. آن‌چه یک مصاحبه تصویری را ارزشمند و در راستای هدف موفق می‌کند، رפרورمنس و چگونگی بازنمایی مصاحبه‌کننده و مصاحبه‌شونده است. در مصاحبه کارلسون با رئیس‌جمهور صحنه چنان بود که گویی رئیس و آدم مهم کارلسون است. بسیاری به درستی اشاره کردند که نورپردازی، پزشکیان را ضعیف و بی‌جان بازنمایی می‌کرد. قاب‌بندی هم به همین کمک می‌کرد. بدتر از همه دکوپاژ و دکور بود. دکوپاژ بد به این معنا که عناصر به کار رفته در تصویر چنان بود که برای اهالی هیت‌های مذهبی ایرانی انگار به کار برده شده است و قرار نیست این تصویر در سطح جهان منتشر شود. مثلاً در میانه جنگ با سفاک زمانه اگر قرار است نمادی از واقعه عاشورا به کار برده شود، باید سمبلی فکرشده از این واقعه باشد که برای سوزه غربی و شرقی‌ای که هیچ فهمی از این رخداد ندارد، سوال‌برانگیز و مسئله‌شود. نه صرف ساختن یک کشکول تصویری از آلمان‌هایی که انگار صرفاً از سر وظیفه انتخاب شده است. دکور، آن پرده و صندلی هم که دیگر نگفتنی است. مایه شرمساری و ناامیدی است که در این دوران خروجی تصویری ریاست‌جمهوری ما چنین باشد. دورانی که نوجوانان ۱۵ ساله با امکانات بسیار ناچیز خانگی به قاعده استودیوهای بزرگ هالیوودی نور و دکور را برای محتوای اینستاگرامی‌اش رعایت می‌کنند. حقیقتاً حتی سلیقه عمده مردم از دکور و تصویر هم چنین نیست که در مصاحبه رئیس‌جمهور بازنمایی می‌شود. مسئله هم فقط کج‌سلیقگی و فقدان زیباشناسی اطرافیان ایشان نیست، مسئله اصلی بازنمایی ایران به میناچیس نگر دوم این کشور به بدترین نحو، آن هم در میان جنگ روایت‌هاست. نگاه کنید که پوتین همه این سال‌ها چطور با محتواهایش از خودش یک قهرمان ساخته است، اصلاً به مصاحبه‌اش با همین کارلسون نگاه و قیاس کنید. ما امروز بیشتر از هر زمان دیگری نیاز به این داریم که از پس همه ضربه‌ها و شکست‌ها، استوار جلوه کنیم؛ چه در روایت، چه در واقعیت.

